



مقدرات آسمانی در بهمن نامه

مرضیه نادافی^۱، سید احمد حسینی کازرونی^۲

شمس الحاجیه اردلانی^۳، داوود یحیایی^۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۰۲

چکیده

مقاله حاضر به بررسی یکی از اندیشه‌های آیین زروانی در متن حماسی « بهمن نامه» اثر ایرانیان(ایران‌شاه) بن ابوالخیر می‌پردازد. دین زروان، خدای زمان از آیین‌های رایج ایران باستان است که فلسفه و اندیشه‌های آن در متون فارسی به ویژه متن‌های حماسی، بازتاب گسترده‌ای داشته است. در این پژوهش، با استفاده از تحلیل محتوایی، بازتاب اندیشه‌ی مقدرات آسمانی و تأثیر آن بر سرنوشت و تقدیر مورد کنکاش قرار گرفته است.

با بررسی محتوایی « بهمن نامه» این نتیجه حاصل می‌گردد که آسمان به عنوان جایگاه زروان، با چرخش و حرکت خود و ستارگان، اراده و خواست زروان را بر انسان جاری می‌سازد. نتیجه‌ی این حرکت آسمان، بخت و سرنوشتی است که از آن هیچ راه‌گیزی نیست و باید به اجبار آن را پذیرفت. بحث‌هایی چون قداست آسمان و ستارگان، سوگند یاد کردن به نامشان، ستاره‌شناسی و طالع بینی، از دیگر بحث‌های مرتبط با آسمان هستند که به خوبی در بهمن نامه منعکس شده است.

کلید واژه‌ها: زروان، آسمان، بخت، ستاره‌شناسی، بهمن نامه.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. nadafi_88@yahoo.com

۲- استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. sahkazerooni@yahoo.com

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. sabooy_teshne00@yahoo.com

۴- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. dyahyaiei@yahoo.com

زمین می‌رسد. البته از این نکته نیز نمی‌توان گذشت که آسمان در عین این که تجسم زروان دیرند خدای است؛ آفریده یا صادری از وجود اهورامزدا نیز می‌باشد و به او تعلق دارد؛ و چون هر کجا اهورامزداست اهریمن نیز وجود دارد پس اهریمن نیز در جهان علوی نقش دارد. پس اهورامزدا و اهریمن هر دو پیمان کردند و کار را به دست فلک دادند.

ساموئل نیبرگ در کتاب خود «دین‌های ایران باستان» می‌نویسد: پیوند نزدیک زروان با برج‌های آسمان و سال و فرمانروایی دیرپای، ناگزیر فرضیات و محاسباتی درباره‌ی یک «سال جهانی» برانگیخت. هر یک از برج‌ها نماینده یک هزار سال است. همه‌ی عمر جهان ۱۲۰۰۰ سال است، یعنی یک ائون^۱ که زمان و دوره‌ی فرمانروایی زروان است. ظاهراً این محاسبات در زمانی بسیار دور پدید آمده بوده است. دایره‌ی فرهنگی بابلی با پیشگویی‌های ستاره‌شناسانش به اندازه‌ی کافی نزدیک بود. از سوی دیگر این قوانین عمر جهان، افسانه‌ی یک دست ابتدایی است و دیگر نیازی به بررسی‌های ستاره‌شناسی نیست؛ به گونه‌ای که هر انسان ابتدایی می‌تواند آن را به کار گیرد. گویا اعتقادهایی درباره‌ی پایان جهان به این سال جهانی بسی زود پیوسته شده بوده است. «مطمئناً آن محاسبات از نظر خاستگاه بیرون و پیش از دین زرتشتی است، اما این موضوع که بر پایه‌ی قوانین دوره‌های زمانی، چنان که به نظر می‌رسد، قوانین عمر جهانی ویژه‌ی زرتشتی غربی پدید آمد که پایان جهان را به نه هزار سال ثابت قرار داد، چیز دیگری است.» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۳۸۷) به گفته‌ی ازنیک کلبی، زروان به معنای سرنوشت (بخت) یا درخشش نیرو بوده است. او در پاسخ به این سوال که بخت چیست از قول مغان می‌گوید: «بخت جوهری مجزا از زروان نیست بلکه همان کامیابی اوست.» (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۶۶) وجه مشخص زروان، یعنی زمان

وجودی، خدای تقدیر است.

آسمان دارای ارزش‌های اساطیری بسیاری است که در روایت‌های اقوام و ملل گوناگون نمودها و نمونه‌های زیادی از آن یافت می‌شود. چنان که در تاریخ ادیان، آسمان از مهم‌ترین تجلیات قداست و سرشار از ارزش‌های «اساطیری مذهبی و حوزه‌ی اقتدار الهی است و به اقتضای ارتفاع بی‌انتهای خود اقامتگاه خدایان و برانگیزنده‌ی تجربه مذهبی در وجدان انسان ابتدایی بوده است.» (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۱)

چنان که در «روایت پهلوی» می‌بینیم که هرمزد، نخست آسمان را آفرید و خود نیز با آفریدگانش در آن ساکن شد. و به گفته‌ی بندهشن، آسمان «مینوی آسمان است که او را چون گوردی (= جامه پشمین) بر تن دارد، او این آسمان را نگاه همی دارد تا اهریمن را باز تاختن نهلد. ایزد آسمان وظیفه‌ی دشوار زندانی ساختن اهریمن و دیوان را دارد.» (عفیعی، ۱۳۷۴: ۴۲۰) در آیین زروانی، آسمان رابطه‌ی تنگاتنگی با زروان و بخت و سرنوشت دارد.

یکی از حماسه‌های اواخر قرن پنجم یا اوایل قرن ششم هجری، که چه از نظر موضوع و چه از نظر زبان دارای اهمیت خاصی می‌باشد، «بهمن‌نامه» یا «اخبار بهمن» است. بهمن‌نامه، منظومه‌ای است حماسی به بحر متقارب مثنی‌محدوف یا مقصور در باره‌ی زندگی بهمن پسر اسفندیار پادشاه کیانی و جنگ‌های او با خاندان رستم. صاحب‌مجم‌التواریخ و القصص آن‌جا که از گردآوری تاریخ شاهان عجم سخن می‌گوید، یکی از کتاب‌هایی را که از آن استفاده کرده، اخبار بهمن یاد می‌کند و در جای دیگر، زمان مرگ زال را که در روزگار دارا صورت گرفته، در هیچ کتاب دیگر نمی‌بیند جز بهمن‌نامه. (بهار، ۱۳۱۸: ۵۶) این کتاب اگر چه منسوب است به نام بهمن پسر اسفندیار و داستان‌های او اما در حقیقت باید آن را داستان سلسله‌ی پهلوانان سیستان دانست زیرا قسمت اغلب آن راجع به سرگذشت خاندان رستم است. در این

به آسمان و حرکت ستاره‌ها می‌شد، پس علم نجوم نیز همواره مورد توجه و از دانش‌های مهم درباری به شمار می‌آمد. ستاره‌شناسی بخشی از دانسته‌های موبدان و ستاره‌شناسان بود و همه‌ی شاهان ایران در دربار خود از ستاره‌شناسان جهت بازگویی آن چه در آینده رخ خواهد داد، استفاده می‌کرده‌اند. دیگر طبقه‌های مردم نیز همواره در انجام امور به سراغ این ستاره‌شناسان می‌رفتند و آینده خود را از حرکت افلاک باز می‌جستند.

اعتقاد به افلاک، اعتقاد به سعد و نحس ایام و تأثیر گذاری آسمان و ستارگان بر سرنوشت آدمی موجب گردیده از دیرباز انسان‌ها روی به دیدن زایچه و پیشگویی حوادث آینده بیاورند. این پیشگویی‌ها بن مایه‌ی زروانی دارد. بن مایه‌هایی که در متون فارسی انعکاس یافته است.

بهمن نامه، صحنه نمایش راز تقدیر و سرنوشت است. آسمان با مظاهرش در بهمن نامه نمود و ظهور بسیاری دارد. چرخ و روزگار در این جا جلوه‌ی خاصی دارند. کار سپهر و رازی که در آن نهفته است، سرنوشت افراد را رقم می‌زند؛ سرنوشتی که گاه روشن و امید بخش است و گاه همراه با فال و بخت بد است. اعتقاد به حرکت آسمان و ستارگان، خواست و رأی یزدان است و در برابر آن تنها باید تسلیم شد و سر فرود آورد. اختر و بخت واژه‌هایی هستند که تقدیر و سرنوشت را در بهمن نامه، نمایان می‌سازند.

اختر:

بدو گفت فرزانه کای شهریار به تو کرد روی اختر روزگار

ابوالخیر، ۱۳۷۰: ۱۵۲

تو برگو کدام است گوهر ترا که در تیرگی رفت اختر ترا

همان: ۲۸۴

یکی از مهمترین موضوع‌های زروانی، توجه به ستارگان و تأثیرات آنان بر روی سرنوشت و بخت و اقبال آدمی می‌باشد. زیر از زروان خدای آفریننده‌ی ستارگان است و خواست و اراده‌ی خود را از طریق ستارگان نمایان می‌سازد. بر اثر اعتقاد به جبر در آیین زروانی، ستارگان نقش مهم و موثری در تعیین بخت و باورهای مردم دارند. توجه به خدای آفریننده ستارگان و همچنین سوگند خوردن به آن‌ها نشان از تقدس ستارگان و اهمیت آنان دارد. اهمیت ستارگان در زندگی باعث می‌گردد تا به نامشان سوگند یاد شود.

یکی نامه فرمود بهمن به صور به نام خداوند خورشید و نور

همان: ۳۴۹

خداوند کیهان و ناهید و ماه خداوند پیروزی و دستگاه

همان: ۳۹۴

یکی نامه کرد او به نزدیک تور به نام خداوند خورشید و نور

۲-۳- روزگار:

روزگار پر کاربرد ترین واژه برای بیان بخت و تقدیر در بهمن نامه است. این روزگار همان بخت و سرنوشتی است که گاه بد و سخت است. تقدیری است که با آن دید جبرگرایانه تنها باید منتظر رسیدنش بود و آن را چه خوب و چه بد، پذیرفت. روزگار هر بازی که بخواهد با ما شروع می‌کند و به پایان می‌رساند.

روزگار در معنی بخت و تقدیر:

ندانم چه خواهد همی کردگار چه پیش آورد گردش روزگار

همان: ۱۹۳

یکی هوشیارم نه من خفته ام ولیکن ز یزدان پذیرفته ام

که کاری که پیش آورد روزگار نگیرم به خود کامگی پیش کار

همان: ۳۸۳

مگر داور داد پروردگار سر آرد به ما بر بد روزگار

همان: ۳۹۴

به بندش همی دار تا روزگار چگونه نماید به ما روی کار

همان: ۴۳۱

چه بازی نماید همی روزگار که روبه کند شیر شرزه شکار

همان: ۵۷۶

نتیجه :

زروان یا زمان در آیین ایرانی تاریخی مبهم و طولانی دارد. در لوحه‌های بابلی مربوط به قرن پانزدهم پیش از میلاد از ایزدی به نام زروان سخن رفته است. در اوستا نیز به اختصار از این ایزد یاد شده و در متون پهلوی هم درباره‌ی آن سخن رفته است. زروان در اصل فرشته زمان است و با صفت آکرانه (بیکرانه) از او یاد شده است. متون حماسی فارسی بهترین منبع انعکاس اندیشه زروانی در ادبیات فارسی است. از این میان، متن‌هایی که مربوط و در بردارنده‌ی مطالب تاریخی و اسطوره‌ای هستند، بیش از دیگر متن‌ها اندیشه‌های زروانی را در خود نهفته دارند.

ستارگان یا اجرام سماوی رابطه‌ی تنگاتنگی با آسمان دارند. در عهد باستان ستارگان دارای مرتبه‌ی خدایی بودند و از آن جهت مورد تقدس و ستایش قرار می‌گرفتند. ستارگان به یاری حرکت برج‌های آسمانی سرنوشت مقدر شده را تعیین می‌کنند و اراده‌ی زروان را تحقق می‌بخشند. در آیین زروانی ستارگان به دو دسته‌ی خوب و بد تقسیم می‌شدند و متناسب با این صفت‌ها عمل می‌کردند.

بهمن نامه از جمله آثاری است که خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر باورهای

زروانی رایج در زمان خود قرار گرفته است. در این منظومه توجه ویژه‌ای به بحث ستارگان و آسمان می‌شود. ستارگان از چنان جایگاه مقدس و بالایی برخوردارند که به نامشان سوگند یاد می‌شود. اهمیت ستارگان موجب می‌گردد تا علم نجوم و ستاره‌شناسی نیز مورد توجه قرار گیرد و طالع بینی و ستاره‌شناسی با آن جایگاه و اهمیت خاص در بهمن نامه منعکس شود.

حرکت ستارگان و گردش آسمان، سرنوشت و بخت و تقدیر را به دنبال دارد. سرنوشتی که زروان آن را با حرکت ستارگان رقم می‌زند و برای انسان در نظر می‌گیرد. این سرنوشت خواسته‌ی زروان است و از آن راه گریزی نیست و هیچ تدبیری در برابر آن چاره ساز نیست. این سرنوشت گاه خوب است و گاه بد. بخت و تقدیری که در بهمن نامه از آن نام برده می‌شود اغلب بختی ناموافق است که با واژه‌هایی چون بخت بد، بخت وارونه، بخت کوژ، بخت خفته و بخت شور نشان داده شده است.

حال که این زروان است که سرنوشت را تعیین می‌کند و چاره‌ای از پذیرش آن نیست، دید جبرگرایانه‌ای را ایجاد می‌کند که در برابر خواست زروان نمی‌توان مقاومت کرد. در بهمن نامه، روزگار، واژه‌ی آشنایی برای بیان این سرنوشت محتوم است. واژه بخشش نو بخشش، نیز میزان این جبرگرایی را نمودار می‌سازد. به طور کلی باید چنین نتیجه گرفت که آسمان و ستارگان با حرکت خود سرنوشت را تعیین می‌کنند و این جلوه‌ی وجودی زروان به خوبی در بهمن نامه منعکس شده و شاعر تحت تأثیر اندیشه‌های زروانی قرار داشته است.

منابع:

۱. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۸۳). دانش نامه‌ی مزدیسنا واژه نامه توصیفی آیین زرتشت. تهران. مرکز.
۲. ایرانشاه، ابوالخیر (۱۳۷۰). بهمن نامه. به کوشش رحیم عقیفی. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. بهار، مهرداد. (۱۳۶۹). فرنیغ دادگی. بندهش. تهران. توس.
۴. بهار، محمد تقی ملک الشعراء. (۱۳۱۸) مجمل التواریخ و القصص. تهران.
۵. پاشنگ، مصطفی. (۱۳۷۸) فرهنگ پارسی و ریشه‌یابی واژگان. تهران. محور.
۶. تفضلی، احمد. (۱۳۸۴). مینوی خرد. تهران. توس.
۷. جلالی مقدم، مسعود. (۱۳۸۴) آیین زروانی، مکتب فلسفی - عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان. تهران. امیرکبیر.
۸. زمردی، حمیرا (۱۳۸۲). نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاه نامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق الطیر. تهران. زوار.
۹. زرنر، آر.سی. (۱۳۷۵). زروان یا معمای زرتشتی گری، ترجمه تیمور قادری. تهران. امیرکبیر.
۱۰. صفا، ذبیح اله. (۱۳۸۴). حماسه سرایی در ایران. تهران. امیرکبیر.
۱۱. عقیفی، رحیم (۱۳۷۴) اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی. تهران. توس.
۱۲. کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۴) ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران. سیر.
۱۳. نیبرگ، هنریک ساموئل. (۱۳۵۹). ترجمه سیف الدین نجم آبادی. دین‌های ایران باستان. تهران. مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
۱۴. هدایت، رضا قلی خان (بی تا) مجمع الفصحا. جلد اول. چاپ سنگی. (بی جا).